

## گفتگوی آقای مهدی خانابا تهرانی با صدای آمریکا

### در خصوص

### سفر آقای خاتمی به نیویورک

فرح جهانگیری - آقای تهرانی همانطور که اطلاع دارید، قرار است آقای خاتمی در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کنند و باز هم همانطور که می‌دانید ایشان پیشنهادی کردند درباره گفتگوی تمدنها که در واقع پاسخی بود به تز آقای ساموئل هانتینگتون در مورد تقابل تمدن‌ها درگیر تمدن‌ها که هانتینگتون گفته بود که نهایتاً تمدن‌های کنفوسیوسی و اسلامی به تقابل با تمدن غربی برمی‌خیزند. در شرایط کنونی با توجه به آنچه که در جهان می‌گذرد و آن چیزی که در همسایگی ایران و در خود ایران می‌گذرد، شما موضع و موقعیت آقای خاتمی را در اجلاس سازمان ملل متحد، چطور می‌بینید؟

تهرانی - بگذارید ابتدا قبل از این که به وضع جهانی و مسئله گفتگوی تمدن‌ها یا تقابل تمدن‌ها بپردازم، به این مسئله اشاره کنم که سفر خاتمی درست زمانی دارد انجام می‌گیرد که روند شکاف ملت و دولت در ایران ما به طور روزافزون فعال‌تر می‌شود. واقعیت این است که حرکت اعتراضی جوانان در سراسر کشور، تمامیت گرایان در جمهوری اسلامی و در رأس آن ولی فقیه را که ذهنشان پذیرش واقعیت‌های تلخ را ندارد، به عکس‌العمل‌های بسیار زشتی وادار کرده، به طوری که حرکت نسل خود انقلاب را که در سرتاسر کشور برای شادمانی درباره پیروزی‌های تیم فوتبال یا اصولاً به خاطر اعتراض به جو ایران و برای آزادی به میدان آمدند، یک مشت اراذل و اوباش خوانده‌اند و اصولاً بدترین توهین را به نسلی که در دامن خود انقلاب به دنیا آمده روا داشته‌اند. در چنین صورتی آقای خاتمی می‌آید در مجمع جهانی راجع به گفتگوی تمدن‌ها صحبت بکند یا به روایت دیگری ایشان می‌آید که کار پایه گفتگوی تمدن‌ها را از طرف ایران عرضه کند. این بسیار موقعیت بدی است، به ویژه که در جامعه خود ایران، گفتگو بر سر مسئله قانون اساسی عملاً جامعه را به یک بستگی کشانده و با اعتراضات بسیاری از خود رهبران جمهوری اسلامی مثل آقای موسوی خوئینی‌ها و حتی محسن سازگارا مواجه شده است. که آقای خوئینی‌ها می‌گوید اگر اجازه نقد قانون اساسی را ندهید ممکن است به نفعی آن بیانجامد. علتش هم این است که جامعه ایران اصلاً چندانکی قدرت دارد و آقای خاتمی که مسئولیت در آن جامعه دارد قادر به سیاست‌گذاری نیست. فراموش نکنیم که همین چندی پیش بود که آقای خاتمی با تذکر به آقای هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه - درباره نقض قانون اساسی و مصونیت نمایندگان مجلس در واقع، یک جنب و جوشی را در جامعه و میان صفوف اصلاح‌طلبان ایجاد کرد. اما با رویداد افغانستان، جنگی که در آنجا آغاز شد و شکست ایران در بازی با بحرین و جوی که در جامعه ایجاد شد، عملاً با پاسخی که آقای شاهرودی داد این حرکت خاموش شد و در چنین وضعی من فکر می‌کنم کلام آقای خاتمی آنچنان انعکاسی در بین ملت‌های جهان - که نمایندگانشان در این مجمع نشسته‌اند - نخواهد داشت. در همین شرایطی که در ایران هستیم، در جنگی که درگیر شده و مقابله‌ای که با تروریسم جهانی هست، ایران هنوز به باور من، بدون اما و اگر در این جبهه قرار نگرفته و هنوز دارد چانه می‌زند، یک پایش در آن طرف دنیا، یک پایش در این طرف دنیا، یک پایش آنجاست که می‌خواهد جنبش اصلاحی را به کل از دست ندهد که من نظرم این است که در آن جنبش اسلامی، ایران دیگر جایی ندارد، چون سرکردگی آن جنبش اسلامی که

الان موجودیت دارد در واقع در دست وهابی‌ها و سنی‌هاست و ایران - به عنوان یک نیروی شیعه - یک نقطه کوچک پرگار است در این قضیه.

این است که اصولاً کشمکش قدرت در خود ایران، تأثیر کلام ایران یا اصولاً فرهنگ ایران را کم‌رنگ خواهد کرد. یعنی آنجا آقای خاتمی باید با کارپایه‌ای بیاید که از لحاظ نظری بسیار هم قابل قبول و مقبول باشد. ولی زمینه‌مادی برای اجرای چنین چیزی را وقتی سیاستمداری در کشور خودش ندارد، نمی‌تواند مجمعی را قانع بکند به این حال من می‌توانم در این حرکت، مثلاً رهبری را داشته باشم یا کاخش را هم در تهران برپا کنم.

فرح جهانگیری - بله، در شرایطی که در ایران، سنگسار، قطع عضو و اعدام‌های در ملاء عام جریان دارد، تصور نمی‌رود که ایشان بتوانند از گفتگوی تمدن‌ها صحبت کنند. برخی از صاحب‌نظران در داخل خود ایران بر این اعتقاد هستند که یک گسست عمیق بین نسل انقلاب و نسل فعلی ایران وجود دارد و علتش هم این است که با توجه به گسترش ارتباطات در سطح جهان با دسترسی جوانان ایرانی به ماهواره، اینترنت و کامپیوتر دیگر نمی‌شود آنها را در محدوده هویتی نگاه داشت که نسل انقلاب داشته. در این مورد چه نظری دارید؟

تهرانی - این کلام را من از یکی از نمایندگان مجلس بیان می‌کنم که ایشان پس از اینکه مأمورین دولتی به جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره‌ای پرداختند، برای چندمین بار البته و این اولین بار نیست - که بی‌نتیجه هم بود راه‌های گذشته - نشان دادند که پایوران رژیم از نفوذ اطلاعات دستکاری نشده در جامعه وحشت دارند. یکی از نمایندگان به درستی گفت: با جمع‌آوری آنتن‌ها مسئله‌ای را نمی‌شود حل کرد تازه با نفوذ اینترنت چه خواهید کرد؟ این واقعیتی است که الان بسیاری از جوانان ایران در روی خط اینترنت هستند و برنامه‌های متفاوت اینترنتی از خود ایران پخش می‌شود.

اطلاعات را به نظر من دیگر نمی‌شود جلوی پیش را گرفت. حتی در دیوارهای بلندی که به نام دیوار آهنین در شوروی سابق بود و در سایر کشورها هم نفوذ می‌کند چه برسد به ایران که من فکر می‌کنم یک نسل جوان بالنده‌ای دارد که رو به سوی ترقی و تجدد دارد و نخواهد گذاشت که در پشت دیوارهای ایران عده‌ای، یک نظام را به شکل طالبان بوجود بیاورند و امر و نهی کنند.

ببینید، در این کشوری که رئیس قوه قضائیه‌اش برود به کمک آقای ولی فقیه کمیته امنیت درست کند برای جلوگیری از اظهار نظر نمایندگان مجلسی که به رأی مردم انتخاب شده‌اند و بگویند هیچ کس حق ندارد درباره مناسبات با آمریکا یا مسائل آمریکا صحبت کند این دیگر نقطه سیاهی است برای رژیمی با آن همه ادعاهایی که می‌کند. بخشی که طرفدار تمامیت‌گرایی است و فکر و اندیشه‌اش بسته است چیزی نیست جز همان طالبان افغانستان که به نظر من محکوم است و شانسی ندارند. شکل حکومتی که نصفش در واقع حکومت خدا بر روی زمین است و نیم دیگرش پارلمان و جمهور مردم است باید به سود حاکمیت مردم، این قانون اساسی بازبینی شود و این صدا در ایران بلند شده. من فکر می‌کنم اصل جدالی که در جامعه ماست، برسر نقضی است که قانون اساسی دارد یعنی این دوگانگی قانون اساسی، سیاست‌گزاری و عملکرد سیاسی را غیرممکن می‌کند. این است که بسیاری از پایوران، دیگر صحبت از این می‌کنند که نقد قانون اساسی حق خوب ماست. نسل انقلاب ایران بیش از همه با فریادی که الان در خیابانها دارد می‌زند و در جامعه ایران طنین‌انداز است، حق دارد بار دیگر برای بازبینی قانون اساسی به پای صندوقهای رأی برود. این جدال اساسی است در ایران.

گفتگویی بود با مهدی خانبابا تهرانی تحلیل‌گر مسائل ایران